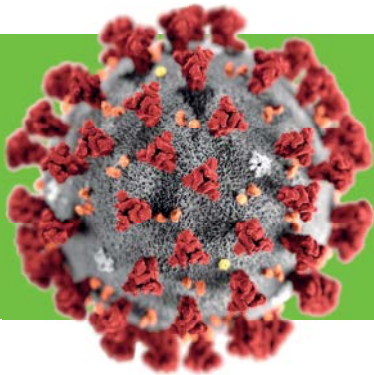




۱۵

جام جم از موفقیت مجموعه‌ای دانش بنیان در حوزه نانو در تأمین ماسک کادر درمانی و صادرات دستگاه کنترل کیفی لایه‌های فیلتر هوا به تایلند گزارش می‌دهد

نگاه به شرق، این بار با ماسک



هشدار کرونا برای بیماران روماتیسم

۱۴

گفت‌وگو با محیط‌بان جانباز خوزستانی که در جریان حمله مهاجمان نقابدار به پاسگاه محیط‌بانی گتوند، یک پایش را از دست داد

روزهای خانه‌نشینی



۱۶

زندگی

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۷۱

۱۳
جام جم



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۱۶۱۴۲

#میدان-پاتوق

طیبه از تهران:

میدان امام حسین (ع) به پاتوق معنادان و دزدان تبدیل شده است. با تاریکی هوا شاهد فروش اموال دزدی توسط این افراد هستیم. امیدوارم نیروی انتظامی امنیت را به این محله برگرداند.

#مترو-تهران

خالدی از تهران:

مسوولان مترو تهران وعده افزایش تعداد واگن‌های جدید را داده است. امیدوارم ناوگان قدیمی این شرکت نیز نوسازی شود.

#خیابان-شهید-ثانی

مرندی از تهران:

آسفالت کوچه‌های خیابان شهید ثانی بسیار خراب و پر از چاله است و نیاز به رسیدگی و نوسازی دارد.

#سرعت-گیر-شاهدشهر

حبیبی از شهریار:

سرعت‌گیرهای بزرگ و بدون علامت در جاده شاهد شهر تا پل فردیس شهریار کرج باعث آسیب به خودروها می‌شود و متأسفانه به علت تاریک بودن این جاده، این سرعت‌گیرها قابل مشاهده نیستند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ با عنوان «قیمت انواع میوه در میادین میوه و تره‌بار» مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار شهرداری شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: بر اساس گزارش‌های موجود و بررسی میدانی، قیمت انواع میوه در میادین میوه و تره‌بار ۳۹ درصد پایین‌تر از میانگین قیمت‌های سطح شهر است. اجاره‌بهای غرفه‌ها از طریق مزایده عمومی پس از اعلام قیمت پایه از سوی کارشناس رسمی دادگستری، در فرآیند شفاف‌سازی توسط بهره‌برداران و با رضایت کامل ایشان تعیین می‌شود. قیمت محصولات عرضه‌شده در میادین میوه و تره‌بار با احتساب تفاوت معنادار با میانگین قیمت‌های مناطق مختلف شهر توسط کمیته نرخ‌گذاری با حضور کارشناسان خبره این سازمان و نمایندگان دستگاه‌های دست‌اندرکار تعیین می‌شود و بهره‌برداران ملزم به رعایت آن بوده و مدیران میادین بر اجرای دقیق نرخنامه‌ها نظارت کامل دارند.



میثم اسماعیلی

جامعه

🔹 **پایان سریال «دل»** ساخته منوچهر هادی جایی که بدمن قصه به عقوبت همه گناهانش نشسته روی ویلچر به تصویر کشیده می‌شود باعث واکنش بسیاری از افراد دارای معلولیت در ایران شده است، البته گلابه آژها گلابه تازه‌ای نبوده و بارها گفته بودند که بازنمایی معلولیت به عنوان عقوبت گناهان، مصداق بارزی از معلول‌آزاری است. پاسخ آقای کارگردان در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام هم که قرار بود دلجویی از جامعه معلولان باشد نشان داد فیلمساز این قصه اصل ماجرای گلابه معلولان را کلاً متوجه نشده است. سریال دل تنها اثر تصویری نیست که در همه این سال‌ها به چنین قضاوتی نشسته و این باور حالا در میان بسیاری از افراد جامعه به نوعی نهادینه شده است، این‌که اگر شخصی دارای معلولیت است حتماً دارد عقوبت گناه خود یا نژادیکانش را پس می‌دهد. این رسوب باور اشتباه را حتی می‌توان در کامنت‌ها و بحث‌هایی متوجه شد که در ذیل پست آقای کارگردان آمده است، عدم فهم درست از این گلابه از سوی کاربران به نوعی هولناک است، چیزی که برای افراد دارای معلولیت اقتدر بدیهی است که حتی نیاز به توضیح ندارد. این تنها مصداق معلول‌آزاری از سوی جامعه نیست و مصداق‌های فراوان دیگری هم وجود دارد که در گفت‌وگو با برخی از آنها در این گزارش به آنها اشاره شده است. سوی دیگر قصه اما افراد یک جامعه‌اند. این‌که هنوز نوع رفتار با یک فرد دارای معلولیت برای آنها توضیح داده نشده و بسیاری از آنها در حالی به معلولان از می‌رسانند که نیتی خیرخواهانه دارند اما از سر ناآگاهی رفتارشان آزارنده است. اروینگ گافمن، جامعه‌شناس آمریکایی معتقد بود جامعه پر آدم‌های کم‌توان نوعی «داغ‌نگ» می‌زند که باعث می‌شود هنگام تعامل با آنها رفتاری عادی نداشته باشیم. او به این باور است که افراد دچار معلولیت در جامعه یا با پرهیز و انزجار دیگران مواجه می‌شوند یا با احساس ترحم و دلسوزی آنها و هر دوی اینها به یک اندازه آنها را می‌رنجانند.

بازنمایی عقوبت گناهان در افراد دارای معلولیت تنها مصداق عادی‌شده معلول‌آزاری نیست. وقتی با افراد دارای معلولیت حرف می‌زنید متوجه آسیب‌های بیشتری می‌شود، علیرضا یکی از این افراد است که از او درباره تجربه‌های معمول‌شده معلول‌آزاری می‌پرسیم. از این‌که حتی بسیاری نمی‌دانند آنها را چطور خطاب کنند و این‌که آیا نامیدن آنها با عنوان معلول می‌تواند برخوردی باشد یا خیر. او از کودکی از هر دو پا فلج است و از همان زمان با عصا راه می‌رود. عدم فرهنگ‌سازی درباره آنها از همین نام آغاز می‌شود. علیرضا می‌گوید: نام‌ها یک نشانه است از عدم شناخت اکثریت جامعه نسبت به جهان ما. این‌که گاهی در رسانه‌ها و مجامع جمعی حتی ما را به نام معلول یا کم‌توان می‌خوانند محل اشکال نیست، بلکه مشکل از جایی است که پشت این نامگذاری صورتی مقایسه‌ای شکل می‌گیرد که بسیار آزارنده است مثال او برایمان روشن می‌کند و چه مقایسه‌ای چه ضربه‌ای به آنها می‌زند. او می‌گوید: به عنوان مثال در جمعی رسمی می‌گویند معلولان و افراد سالم. این تقسیم‌بندی شاید در ظاهر بدیهی به نظر برسد اما هیچ‌گاه اینطور نیست. نکته مورد اشاره او حتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی هم تعریف ثابتی دارد. تعریفی که به باور علیرضا بهترین نام برای آنهاست؛ «افراد دارای معلولیت.»

🔹 آسیب دوگانه خیرورشر

معلولیت عقوبت گناه نیست. رایج‌شدن این باور از آنجا‌تکان دهنده است که نه تنها در باور عمومی جامعه تابو محسوب نمی‌شود که رد آن را در بسیاری از آثار

رنگی لذت ببرند یا مثلاً افراد ویلچرنشین همواره در حسرت راه رفتن و دویدن هستند، ناشنوایان در دنیای بدون موسیقی حتماً در افسردگی به سر می‌برند و... در حالی که این تصورات سوپیه‌های مختلف وضعیت زندگی یک فرد دچار معلولیت را نادیده می‌انگارند. معاشرت و صحبت و زندگی‌کردن با افراد دارای معلولیت، دقیق‌شدن در عادات زندگی آنها یا خواندن زندگینامه یا یادداشت‌های این افراد و همچنین تأمل در مفهوم بدن انسان باعث می‌شود از این تصورات فاصله بگیریم و حتی گاهی به نقطه مقابل این تصورات برسیم. وحید رجب‌لو، کارفرین اجتماعی است و سال گذشته در جمع ده جوان تاثیرگذار جهان قرار گرفته است. از او درباره تأثیر این دوگانگی می‌پرسیم. این‌که تماشای چنین مواردی در آثار سینمایی چه تأثیری روی این افراد دارد. او به جام جم می‌گوید: مهم‌ترین تأثیری که متاثرکننده است نه عدم درک کارگردان نسبت به این موضوع که تباه‌شدن زحمات چندساله ما در فرهنگ‌سازی یک جامعه است. او معتقد است این موضوعی دو سوپیه است و انتظار از جامعه برای فهم چنین مواردی وقتی بجاست که اقدامی در جهت فرهنگ‌سازی افراد آن جامعه صورت گرفته باشد. همین است که اشاره آشکار یک سریال در چنین موضوعی می‌تواند تلاش بسیاری از آنها را که در این راه فعال بودند، تباه‌کنند.

🔹 از اغراق در ترحم تا شکرگزاری

به تصویر کشیده‌شدن بدمن یک کاراکتر تلویزیونی روی ویلچر هر چند اتفاق تازه‌ای نیست اما چندان هم رایج نیست. در کنار این موضوع مصداق‌های فراوان

دیگری از آثار افراد دارای معلولیت در میان افراد جامعه رایج است که نه تنها در مورد آن فرهنگ‌سازی نشده که به صورت بسیار معمول در حال تکرار است. یکی از آنها که از زبان علیرضا و در گفته‌های وحید رجب‌لو به آن اشاره شد درباره شکرگزاری شهروندان بعد از مشاهده یک فرد دارای معلولیت است. علیرضا می‌گوید که بارها در محیط‌های عمومی افرادی را دیده که با مشاهده او به شکل آشکاری خادوند را شکر کرده‌اند و این کار اشاره مستقیمی به این دارد که حتماً او دارد تاوان گناهی را پس می‌دهد و ناشکر بوده که چنین اتفاقی برایش افتاده است. وحید رجب‌لو هم می‌گوید بارها شده که با حضور در یک پارک با واکنش کلامی دیگران روبه‌رو شده مبنی بر این‌که هر جا می‌روند باید غم و غصه ببینند! دیگر مصداق رایج اغراق در ترحم نسبت به افراد دارای معلولیت است. هر چند از نیت خیرخواهانه افراد نباید گذشت اما علیرضا می‌گوید: گاهی در حال رفتن معمولی به سمت بانک دیده‌ام افرادی را که از سمت دیگر خیابان می‌آیند و درخواست می‌کنند به من کمک کنند در حالی که هیچ نیازی به کمک ندارم. دیگر موردی که کمتر به آن اشاره شده هم جالب توجه است از این منظر که فاصله درک عمومی جامعه را با جهان افراد دارای معلولیت نشان می‌دهد آن هم پرسش صریح درباره دلیل معلولیت است. علیرضا می‌گوید: این مورد جزو شخصی‌ترین حیطه زندگی این افراد است. این‌که یکبار از او درباره دلیل معلولیت پرسیده شود نه معنای همدردی که به معنای تجسس در زندگی شخصی افراد است. از او می‌پرسیم واکنش‌اش در برابر این پرسش بی‌پرده چیست و او می‌گوید: این سوال اگر از سوی دوستان صورت بگیرد آن‌چه برخوردنده را ندارد اما وقتی از سمت غریبه‌ها مورد سوال واقع می‌شوم خیلی آشکار می‌گویم که ربطی به آنها ندارد. هرچند برخی هم از سر کنجکاوی این سوال را می‌پرسند به عنوان مثال کودکان خیلی زود از من دلیل معلولیت‌م را می‌پرسند و من هم با آرامش برایشان توضیح می‌دهم.

نشستن پای حرف‌های افراد دارای معلولیت نشان می‌دهد عدم درک درست از جهان این افراد مخصوص به طبقه خاصی نیست؛ تحصیلکرده و نکرده ندارد و هنوز در رابطه با فرهنگ‌سازی در رابطه با مواجهه با این افراد هنوز راه درازی در پیش داریم. در کنار آن باید به این نکته هم اشاره کرد که اینها تنها مصداق‌هایی از آثار معلولان است که کمتر به آن پرداخته شده و گرچه چه کسی است که نداند بارزترین مصداق آثار معمولان که حالا در رتبه چهارم خشونت‌های خانگی است در طراحی و مناسب‌سازی معابر شهری نمود دارد. معابر و مراکز فرهنگی و مجتمع‌های تجاری و موزه‌ها و... هیچکدام طوری طراحی نشده‌اند که برای حضور این افراد مناسب باشند.



یادداشت: محمد اسماعیل شیخ قرایی مدیرعامل انجمن فرهنگی ورزشی و گردشگری معلولان

دغدغه درك

يك مساله ساده

عقوبت بزهکاری و انجام‌دادن فعل حرام، دچار شدن به معلولیت نیست. بدیهی است که افراد دارای معلولیت در هر جامعه‌ای وجود دارند و جزئی از جامعه هستند که مراقبت و نگهداری از آنها وظیفه جامعه است. فراهم کردن شرایطی برای مشارکت معلولان در جامعه و این‌که در معرض تبعیض قرار نگیرند به عنوان شاخص مهمی از میزان عدالت اجتماعی است.

تدوین کنوانسیون جهانی معلولان، قوانین سازمان‌های بین‌المللی یونیسف و مشابه، قانون حمایت از حقوق معلولان و تمامی این دستورالعمل‌ها بر اساس چنین دیدگاهی است که پدیده معلولیت اجتناب‌پذیر است و باید برای افراد دارای معلولیت در جوامع همزمان با ایجاد تکریم، امکانات و تسهیلات خاص فراهم شود.

از گذشته تا به امروز سعی بر فرهنگ‌سازی بسیاری در نگاه به افراد دارای معلولیت شده است،

باید این فرهنگ‌سازی همچنان صورت بگیرد تا به صورت يك باور عمومی در سطح جامعه بسط داده شود. نمونه‌هایی از تفاوت نگاه به افراد دارای معلولیت در گذشته و جایگزینی آن با باور درستی که مدنظر جامعه افراد دارای معلولیت است هم نشان از بدیهی بودن آن دارد. به عنوان مثال اگر در گذشته افراد دارای معلولیت را «گناهکار» می‌دانستیم حالا آن را ترکیب «بیمار است» جایگزین کنیم. به جای «تنبیه می‌شد» بگذاریم «معالجه می‌شد»، به جای ترکیب «به تنهایی مسوول سرنوشت خود بود» بگوییم «جامعه

در سرنوشت او سهیم است». این باور که معلولان «مستمری بگیرند» را با این باور که آنها «شافل و خودکفا» هستند جایگزین کنیم. زیور» اوای باران»، انیس «ستایش» و فرزانه «کیما» و حالا تکپس در سریال «دل» تنها نمونه‌هایی از شخصیت‌های منفی سریال‌هایی هستند که جای اعمال بدشان در زندگی را با معلولیت در دوران میانسانی و پیری داده‌اند و متأسفانه این تصویر نه چندان مناسب از معلولیت جسمی که در ذهن مخاطب به جای می‌ماند بعضاً جبران‌ناپذیر است.

گلن هادل، مربی پیشین تیم ملی فوتبال انگلیس بیش از ۲۰ سال پیش به دلیل ابراز عقیده در مورد این‌که چرا برخی افراد با معلولیت زندگی می‌کنند، از سمت خود برکنار شد. او گفته بود که افراد معلول متولد شده‌اند تا به خاطر گناهان زندگی قبلی مجازات شوند و به واسطه این اظهارنظر تحت فشارهای عمومی خیلی زود استعفا داد.

جامعه افراد دارای معلولیت در همه این سال‌ها برای مناسب‌سازی معابر و وسایل حمل و نقل عمومی و تدارک زیرساخت‌های لازم در این راستا جنگیده و وقتی می‌بیند هنوز از بدیهی‌ترین رفتارهای مناسب از سوی قشر هنرمند در رابطه با مواجهه با افراد دارای معلولیت خبری نیست دلسرد می‌شود. 🔹